

واکاوی روابط خارجی ایران و پاکستان در پرتو نظام بین‌الملل طی سال‌های ۱۹۷۹-۱۹۴۷ م.

سمیه حمیدی^۱

فاطمه اشرفی گل^۲

چکیده

پاکستان در ۱۴ اوت ۱۹۴۷ از تقسیم شبه قاره هند در جوار مرزهای شرقی ایران پدید آمد و ایران نخستین کشوری بود که آن را به رسمیت شناخت و در سال‌های بعد، عهدنامه مودت، مرزی، استرداد مجرمین و توافقات فرهنگی با آن کشور منعقد کرد. در این پژوهش بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و مبتنی بر اسناد و مدارک تاریخی، عوامل مؤثر بر روابط خارجی دو کشور ایران و پاکستان در سه سطح روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از زمان استقلال پاکستان تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران بررسی و تحلیل شده است. سطح روابط دو کشور تحت تأثیر نگرانی‌های امنیتی پاکستان و ساختار نظام دوقطبی، بالا بود. دو کشور همزمان وارد پیمان بغداد-ستو شدند و هر دو از ارکان سه‌گانه در تشکیل سازمان همکاری‌های منطقه‌ای بودند، همچنین روابط فرهنگی نیز در سطح گسترده‌ای قرار داشت. با این حال، با وجود روابط گسترده سیاسی-فرهنگی، به سبب وجود اقتصاد مشابه و نه مکمل، روابط اقتصادی دو کشور در قالب چند توافقنامه باقی ماند.

واژگان کلیدی:

ایران، پاکستان، روابط خارجی، نظام بین‌الملل

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۶/۳

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه بیرجند ashrafigol@birjand.ac.ir

مقدمه

پاکستان در ۲۳ مرداد ۱۳۲۶/۱۴ اوت ۱۹۴۷ در پی مبارزات حزب مسلم لیگ به رهبری محمدعلی جناح از هندوستان جدا شد و پس از استقلال، برای تقویت امنیت ملی خود، به داشتن متحدانی در عرصه منطقه‌ای و جهانی نیاز داشت. در این زمان، ساختار نظام بین‌الملل مبتنی بر نظام دوقطبی و جنگ سرد میان دو ابرقدرت بود. از آنجا که پاکستان با هند هنوز اختلافات سیاسی و مرزی داشت، ناگزیر به سمت آمریکا و بلوک غرب رفت. ایران نخستین کشوری بود که پاکستان را به رسمیت شناخت و در سال‌های بعد چندین عهدنامه با آن کشور منعقد کرد. روابط خارجی ایران و پاکستان پس از استقلال این کشور چگونه بود؟ فرضیه نوشتار بر این اساس است که نیاز به موازنه قوا با هند و نزدیکی به کشوری مسلمان، سبب شکل‌گیری روابط سیاسی، فرهنگی و تا حدودی اقتصادی دو کشور شد.

جایگاه نظام بین‌الملل در شکل‌گیری روابط ایران و پاکستان

روابط خارجی هر کشوری برآیندی از عوامل و زمینه‌هایی همچون تصمیم‌گیرندگان، ساخت نظام بین‌الملل، قدرت اقتصادی، موقعیت ژئوپلیتیکی، اوضاع اجتماعی آن کشور و در نهایت شرایط زمانی و اهداف سیاست خارجی هر کشور بر حسب ظرفیت‌ها و توانایی‌های داخلی، در سه بخش بلندمدت، میان‌مدت، کوتاه‌مدت مورد توجه و ارزیابی نهادهای تصمیم‌گیری قرار می‌گیرد (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۴۵)

در سال‌های جنگ سرد (۱۹۷۹-۱۹۴۷ م.) جهان میان دو اردوگاه متخاصم شرق و غرب تقسیم شده بود. تحولات پی‌درپی در سیاست خارجی پاکستان، موجب شد که سیاستمداران استراتژی ثابت و یکنواختی برای سیاست خارجی این کشور در نظر نگیرند. اما به هر حال، روابط خارجی این کشور مانند هر کشور دیگری پیوند تنگاتنگی با

مسأله امنیت ملی داشت. در این میان، اختلاف سیاسی، ایدئولوژیکی و سرزمینی این کشور با هندوستان، بر اهمیت امنیت می‌افزود. در این برهه از زمان، به سبب نظام دوقطبی جهان و با توجه به اینکه هند هم‌پیمان شوروی بود، پاکستان به سمت بلوک غرب و آمریکا رفت؛ به ویژه برای کسب کمک‌های این کشور در مقابله با هند. از طرفی، آمریکا که در آغاز استقلال پاکستان ۴۰٪ تولیدات جهان را در اختیار داشت، ثروتمندترین کشوری بود که در چارچوب برنامه مارشال می‌توانست به پاکستان کمک کند و پاکستان نیز دژ شرقی اردوگاه ضد کمونیسم برای آمریکا محسوب می‌شد (Scatter, 2007: 37). دلیل رهبران پاکستان برای نزدیک شدن به ایالات متحده آمریکا، درک خطر هجوم کمونیسم از ناحیه شوروی و بیم از هندوئیسم افراطی برای کشوری مسلمان بود. نزدیکی به آمریکا، طبیعتاً نزدیکی به متحد این کشور در منطقه یعنی ایران را هم به دنبال داشت و شرکت پاکستان در پیمان‌هایی نظیر سنتو و سیتو در راستای سیاست‌های آمریکا بود (فرزین نیا، ۱۳۸۹: ۲۲۲-۲۱۹).

از سوی دیگر، از آنجا که هویت دینی این کشور اسلام بود، پاکستان در عرصه سیاست خارجی، در پی متحدانی از میان کشورهای مسلمان همسایه بود؛ موضوعی که در قانون اساسی این کشور صراحتاً بر آن تأکید شده است: بر اساس ماده ۴۰ قانون اساسی پاکستان، دولت کوشش خواهد کرد روابط برادرانه میان کشورهای مسلمان را بر اساس وحدت اسلامی، حمایت از منافع مشترک مردم آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در جهت ترویج صلح و امنیت بین‌الملل، پرورش روحیه تفاهم و دوستی در میان ملت‌ها و ترغیب حل اختلافات بین‌الملل از راه‌های صلح‌آمیز تقویت کند (قانون اساسی جمهوری پاکستان، برگرفته از سایت nahad.govir.ir؛ فلاح زاده، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۴).

روابط ایران و شبه قاره، قبل از جدایی پاکستان، به مناسبات ایران و انگلستان مربوط می‌شد (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵: ۵۷). مناسبات دو کشور بعد از استقلال پاکستان و شناسایی آن از طرف دولت ایران، با تأسیس سفارت در کراچی در آبان

۱۳۲۶ / اکتبر ۱۹۴۷ آغاز شد. تشکیل پاکستان در همسایگی ایران، به صورت نامه‌ای محرمانه خطاب به همایونجاه وزیر امور خارجه وقت اعلام شد:

خاطر نشان می‌کند که به زودی طرح قانونی اعطای حقوق و امتیازات دومینیون به دو کشور پاکستان و هندوستان در مجلس انگلیس تصویب خواهد شد و بلافاصله یعنی تا اوایل سپتامبر سال جاری (۱۹۴۷) دو حکومت و دو مجلس مؤسسان در این کشور تأسیس و شروع به کار خواهد نمود که این دو کشور در تمام شئون داخلی و خارجی واجد استقلال و آزادی خواهند شد و پادشاه است که یگانه رشته اتصال این دو کشور به انگلستان است و نماینده پادشاه یک نفر استاندار کل خواهد بود (آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ۱۴ - ۷ - ۴، ۱۳۲۶).

این سند نشان می‌دهد که تأسیس این کشور، با موافقت ضمنی انگلستان صورت گرفت. به دنبال استقلال پاکستان، مقامات دو کشور بارها با یکدیگر دیدار کردند: در بهمن ۱۳۲۸ و در جریان سفر محمدرضا شاه به پاکستان، عهدنامه مودت بین دو کشور در ۶ ماده به تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۲۸ منعقد شد.

در سال ۱۳۳۴ ش. / ۱۹۵۵ م. روابط ایران و پاکستان با عضویت در پیمان بغداد و بعد از آن در سال ۱۹۵۸ م. با عضویت در پیمان سنتو شکل جدیدی یافت. علاوه بر آن، دو کشور در برنامه عمران منطقه‌ای دارای مناسبات ویژه در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و کمک‌های متقابل فنی در زمینه ارتباطات بودند و تا زمان تغییر نظام سیاسی در ایران، این پیمان‌ها به قوت خود باقی ماند. این پیمان‌ها در جهت برقراری ثبات در منطقه و مقابله با نفوذ کمونیسم بود (اسعدی، ۱۳۶۹: ۸۹). ایران در اختلاف میان پاکستان و افغانستان که عمدتاً از ادعاهای مرزی افغانستان نسبت به شمال غربی و غرب پاکستان نشأت می‌گرفت، نقش میانجی داشت، چنانکه در اختلاف میان پاکستان و هندوستان بر سر مسأله کشمیر نیز، ایران در نقش میانجی ظاهر شد (علی بابایی؛ ۱۳۷۵: ۳۷).

روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و پاکستان

روابط سیاسی ایران و پاکستان: روابط سیاسی ایران و پاکستان را تا ۱۹۷۹ می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: ۱. از عضویت در پیمان بغداد/ سنتو تا تشکیل پیمان همکاری عمران منطقه‌ای (۱۳۳۴-۱۳۴۳ش.)، ۲. از تشکیل همکاری عمران منطقه‌ای تا تجزیه پاکستان (۱۳۵۰-۱۳۴۳ش.)، ۳. از صدارت بوتو تا کودتای ارتشبد ضیاءالحق (۱۳۵۶-۱۳۵۰ش.)، ۴. از حکومت نظامی ارتشبد ضیاءالحق تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۵۶ش.) (علی بابایی، ۱۳۷۵: ۲۳۸-۱۰۹).

بعد از استقلال پاکستان، سفارت ایران در آن کشور، به دستور محمدرضا پهلوی افتتاح شد. وی نخستین شخصیت بلندپایه سیاسی بود که به پاکستان سفر کرد و در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۲۸ قرارداد مودت میان دو کشور منعقد شد (آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۲۸۶-۱-۱۹، ۱۳۲۸). قبل از انعقاد این عهدنامه، سفیر کبیر پاکستان در ۲۳ اسفند ۱۳۲۷ش. در ملاقات با وزیر امور خارجه ایران تأکید کرده بود که امضای قرارداد مودت باید قبل از انعقاد عهدنامه مودت بین ایران و هندوستان باشد و در انعقاد آن می‌باید تسریع شود (همان: کارت ۱۹). این عهدنامه در ۶ ماده توسط علی‌اکبر سیاسی وزیر امور خارجه ایران و غضنفر علی‌خان سفیر کبیر پاکستان امضاء شد. نکات مهم این عهدنامه عبارتند از: ۱. طرفین در کشور متبوع خود صلح و دوستی دائمی را بین ایران و پاکستان و بین اتباع دو کشور مستقر می‌کنند، ۲. دو طرف روابط سیاسی و کنسولی خود را طبق اصول بین‌الملل و اصل دولت کامله الوداد ادامه می‌دهند، ۳. برای نزدیکی بیشتر مقرر شد طرفین قراردادهای دیگری از قبیل قرارداد بازرگانی و گمرکی و استرداد مجرمین منعقدکنند، ۴. طرفین موظف هستند مناقشات احتمالی را، پیوسته از مجراهای سیاسی و دوستانه و مسالمت‌آمیز حل کنند (همان سند: ۲۸۶-۱-۱۹، ۱۳۲۸).

از جمله مسائل سیاسی مهم در سال‌های ۱۳۴۳-۱۳۳۴ش. میان ایران و پاکستان، می‌توان به عضویت هر دو کشور در پیمان بغداد در سال ۱۳۳۴ش. اشاره کرد که

سراغاز حرکت‌های مشترک سیاسی و امنیتی در روابط دو کشور بود. هر چند که با خروج عراق و پیوستن به صف بلوک شرق، این پیمان دچار اندک تغییراتی شد و نام پیمان سنتو یافت (نظیف کار و نوروزی، ۱۳۸۲: ۱۹۵-۱۸۶)، اما زمینه را برای همکاری‌های سیاسی و اقتصادی ایران، پاکستان و ترکیه فراهم آورد. مواد اصلی این پیمان که در ۵ اسفند ۱۳۳۳/۲۴ فوریه ۱۹۵۵ در بغداد میان نمایندگان دولت عراق و ترکیه امضاء شد و دولت انگلیس در ۱۴ فروردین ۱۳۳۴، پاکستان در ۳۱ شهریور ۱۳۳۴ و ایران در ۳۰ مهر ۱۳۳۴ به آن پیوستند، به این شرح است: ۱. امضاءکنندگان این پیمان در امور دفاعی و امنیتی خود با یکدیگر همکاری خواهند کرد، ۲. کشورهای امضاءکننده متعهد می‌شوند که از هرگونه مداخله در امور داخلی یکدیگر اجتناب ورزند و مسائل فیما بین را از طرق صلح آمیز حل و فصل کنند، ۳. پیمان‌های کشورهای امضاءکننده این پیمان با سایر کشورها نباید با این تعهدات تناقض داشته باشد، ۴. مدت این پیمان ۵ سال است و امکان تمدید آن برای ۵ سال دیگر وجود دارد.

در ۲۳ تیر ۱۳۳۷ در حالی که رهبران ایران، پاکستان و ترکیه در استانبول منتظر نماینده عراق بودند، گروهی از افسران آزاد با کودتایی رژیم عراق را سرنگون کردند (فونتن، ۱۳۶۶: ۳۵۹). بعد از مدتی کوتاه، رژیم چپ‌گرای جدید عراق در ۴ فروردین ۱۳۳۸/۲۴ مارس ۱۹۵۹ از این پیمان خارج شد (ازغندی، ۱۳۸۹: ۲۷۵) و چند روز بعد و با انتقال مقر آن از بغداد به آنکارا، این پیمان، به پیمان سنتو تغییر نام یافت.

حضور کمرنگ آمریکا و شانه خالی کردن انگلستان از تعهدات خود، عملاً کارآیی این پیمان را کاهش داد. در جریان جنگ هند و پاکستان، به سبب اعلام بی‌طرفی آمریکا و عدم حمایت این کشور به عنوان متحد از پاکستان، جنبه تشریفاتی این پیمان را آشکار کرد. ایران و پاکستان می‌خواستند سنتو، پیمانی شبیه ناتو باشد، که چنین نشد. روابط ایران و پاکستان بعد از پیوستن دو کشور به سنتو وارد مرحله جدیدی شد و همگرایی سیاسی و امنیتی آنها برای تأمین امنیت مرزها، به توافقنامه جدیدی انجامید که مرز کنونی ایران و پاکستان، مطابق قرارداد ۱۷ بهمن ۱۳۳۶/۶ فوریه ۱۹۵۸ میان

دولتین بر اساس آن قرار دارد. این قرارداد با این مقدمه آغاز می‌شود: «هر دو دولت ایران و پاکستان علاقه‌مندند که خط مرزی ایران و پاکستان روشن شود که از طرف ایران دکتر اردلان و ژنرال رضا سفیر کبیر پاکستان در ایران از طرف پاکستان آن را امضاء نمودند» (جهانبانی، ۱۳۴۸: ۳۱). در این عهدنامه، دولت ایران به پاس دوستی بی‌شائبه و یگانگی نسبت به دولت پاکستان، موافقت کرد از دعاوی مرزی تاریخی خود صرف نظر کند؛ به جز مناطق خاران، مکران شامل بنادر جنوبی و گوادر، چاغی و لسبیله که می‌باید متعلق به دولت ایران باشد. در واقع رژیم پهلوی در راستای هم‌پیمانی با آمریکا از بخشی از مسائل ارضی چشم‌پوشی کرد تا بتواند مواضع آمریکا را در منطقه در پرتو گسترش متحدان آن تأمین کند (همان: ۵۰).

به دنبال عهدنامه مودت و حل اختلافات مرزی، عهدنامه استرداد مجرمان و متهمان در ۳۰ فروردین ۱۳۳۸ / ۲۰ آوریل ۱۹۵۹ به امضای علی‌اصغر حکمت وزیر امور خارجه ایران و نوابزاده آقامحمدرضا سفیر کبیر جمهوری پاکستان امضاء شد. بنا بر این عهدنامه، در ۱۵ ماده دو دولت موظف شدند کسی را که طبق قوانین دو کشور مجرم شناخته شده و حبس آن کمتر از یک سال است، به کشور متبوع وی تحویل دهند. این توافق، شامل استرداد مجرمان سیاسی و نظامی نمی‌شد. مخارج استرداد تا مرز بر عهده دولت استردادکننده است، تقاضای استرداد از طریق مجاری سیاسی صورت می‌گیرد و باید مدارکی چون خلاصه‌ای از شرح جرم، تاریخ وقوع آن و رونوشت مقررات قانونی را که کشور تقاضاکننده مجرم مشمول آن است، همراه تقاضانامه به کشور طرف مقابل تحویل دهند. این عهدنامه به زبان فارسی و انگلیسی تنظیم شد و مدت اجرای آن پنج سال بود (علی بابایی، ۱۳۹۲: ۱۱۹-۱۱۷).

دولت ایران در اقداماتی که به نحوی مشکلات پاکستان را برطرف می‌کرد، حضور جدی داشت. در دومین سفرشاه به پاکستان در تیر ۱۳۴۱ ش.، به دعوت فیلدمارشال ایوب‌خان رئیس‌جمهور پاکستان، محمدرضاشاه علاقه خود را برای میانجیگری و رفع اختلاف میان پاکستان و افغانستان بر سر مسأله پشتونستان که منجر به قطع روابط

دیپلماتیک بین دو کشور بود، ابراز داشت. این ایده با استقبال رئیس‌جمهور پاکستان مواجه شد و محمدرضا پهلوی در مرداد ۱۳۴۱ ش. به کابل سفر کرد. پس از برگزاری چند جلسه مذاکره با محمدرضا شاه و صدراعظم وی، در ۷ خرداد ۱۳۴۲ ش. اعلامیه‌ای صادر شد و وزرای خارجه پاکستان و افغانستان در تهران موافقتنامه‌ای امضاء کردند. متعاقب موافقتنامه مقرر شد کنسولگری‌های افغانستان در پیشاور و کویته بازگشایی شوند. در واقع، محمدرضا پهلوی می‌کوشید خود را حافظ نظم و امنیت منطقه نشان دهد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۹۱: ۳۰۳-۳۰۲).

از جمله مسائل در سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۴۳ ش. بین ایران و پاکستان، می‌توان به حمایت ایران از پاکستان در جنگ ۱۹۷۱ م. میان پاکستان و هند اشاره کرد؛ ایران هند را متجاوز شناخت و هواپیماهای خریداری شده از آمریکا را در اختیار پاکستان گذاشت و بدین ترتیب، حمایت تمام عیار سیاسی و نظامی خود را از پاکستان نشان داد. دولت ایران همچنین با ارسال سوخت جت و بنزین هواپیما کمک شایانی به تقویت نیروی هوایی پاکستان برای مقابله با حملات هند کرد (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵: ۹۴).

در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ ش. سطح روابط ایران و پاکستان به آنجا رسید که به گفته ذوالفقار علی بوتو، حتی در عالم خیال نیز، میان ایران و پاکستان اختلاف و مناقشه‌ای نیست. رئیس‌جمهور پاکستان در خرداد ۱۳۵۱ ش. به تهران آمد و در مذاکرات، تحولات شبه قاره جنوب آسیا بررسی شد. رؤس توافقات دو کشور عبارت بود از: ۱. فیصله دائمی و شرافتمندانه اختلافات پیچیده میان دو کشور به نحوی که صلح و امنیت مردم را تأمین کند، ۲. اعاده اسرای جنگی در اسرع وقت (اخبار و اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۵۱: ۱۰۷). به دنبال این توافق، محمدرضا پهلوی در تصویب قانون اساسی جدید پاکستان به عنوان سنگ‌بنای آینده این کشور حمایت خود را از پاکستان اعلام کرد و گفت که روابط دوجانبه ایران و پاکستان از عالی‌ترین نمونه‌های رابطه میان دو کشور در جهان کنونی است (همان، ۱۳۵۲: ۲۷۱). ایران برای بسط روابط دیپلماتیک و کنسولی خود دو کنسولگری جدید در لاهور و پیشاور افتتاح کرد (همان، ۲۷۳). در

طول سال‌های مذکور، همکاری‌های دوجانبه در زمینه‌های سیاسی میان دو کشور ادامه یافت. بوتو دوبار نیز، در تیر و دی ماه ۱۳۵۵ ش. و هر بار دو روز به ایران سفر کرد (همان، ۱۳۵۵: ۳۷).

در سال‌های ۵۶ تا ۵۷ ش. روابط سیاسی ایران و پاکستان رو به افول نهاد و نشانه‌افت روابط دو کشور را در تغییر سفرای ایران در پاکستان می‌توان دید: طی این سال چند بار سفیر ایران در پاکستان تغییر کرد و افرادی چون زندفرد و نصیری به‌عنوان سفیر به پاکستان فرستاده شدند و انتصاب رئیس سابق ساواک به عنوان سفیر در اسلام‌آباد، سردی روابط دو کشور را افزایش داد (زندفرد، ۱۳۷۹: ۱۶۲).

روابط فرهنگی ایران و پاکستان: از جمله عوامل بسیار مؤثر در روابط فرهنگی دو

کشور ایران و پاکستان، زبان و ادب فارسی است. نفوذ این زبان و ادبیات به حدی است که سرود ملی پاکستان کاملاً فارسی است (تسبیحی، ۱۳۵۲: ۳-۴). در اوایل قرن ۲۰ میلادی محمد اقبال لاهوری همچون احیاء‌کننده ادب فارسی در شبه قاره هند شناخته می‌شد. در سال ۱۹۵۴ م. رایزنی فرهنگی در پاکستان در شهر کراچی دایر شد و در مدت کوتاهی در ۶ شهر دیگر پاکستان نیز رایزنی فرهنگی ایران آغاز به کار کرد. متعاقب آن در ۹ مارس ۱۹۵۶ موافقتنامه فرهنگی میان دو کشور در کراچی به امضاء رسید. بر پایه این موافقتنامه، دو کشور ایران و پاکستان با عنایت به روابط دیرین باستانی، معنوی، فرهنگی، هنری و مذهبی مشترک خود و علاقه مفراط به برقراری و تحکیم حسن تفاهم، اقدام به امضای موافقتنامه فرهنگی در ۱۸ اسفند ۱۳۳۴ / ۹ مارس ۱۹۵۶ کردند. این موافقتنامه را محمود مهران وزیر فرهنگ ایران و حمیدالحق چودری وزیر امور خارجه پاکستان امضاء کردند. مدت این موافقتنامه نامحدود بود و ۱۶ ماده داشت. در ماده اول این موافقتنامه، تأسیس مؤسسات فرهنگی، مراکز آموزشی، انجمن‌های هنری، کتابخانه‌ها و مؤسسات مشابه پیش‌بینی شده بود. مبادله استاد برای تأسیس کرسی‌های زبان، مبادله دانشجو، اهدای بورس‌های فرهنگی، مبادله گروه‌های فرهنگی،

ورزشی و پیشاهنگی از جمله موارد دیگری بود که دو کشور با آن موافقت کرده بودند (علی بابایی، ۱۳۹۲: ۷۴-۷۰).

در زمینه فرهنگی، تا سال ۱۹۷۹م. دولت ایران علاوه بر سفارت در اسلام آباد و کنسولگری‌های لاهور، پشاور، کراچی و کوئته، مولتان و حیدرآباد خانه‌های فرهنگ را نیز برای کلاس‌های زبان فارسی و توزیع کتب و نشریات فارسی دایر کرد. علاوه بر آن، هر ساله شماری از معلمان ایرانی برای تدریس زبان فارسی در مدارس پاکستان به این کشور اعزام می‌شدند. یکی از مهم‌ترین قراردادهای منعقدۀ فرهنگی بین دو کشور، امضای قرارداد مربوط به تأسیس مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در راولپندی در آبان ۱۳۵۰/۲۳ اکتبر ۱۹۷۱ بود. این مرکز، به عنوان فرهنگستان مشترک ایرانی و پاکستانی برای مطالعه و پژوهش در باب میراث مشترک فرهنگی ایران و پاکستان و به منظور احیاء و ترویج زبان فارسی در این کشور فعالیت می‌کرد. مهم‌ترین اقدام این مرکز، در ابتدای کار، تأسیس کتابخانه گنج دانش به نام عارف معروف علی هجویری بود که در ابتدای کار ۲۵۰ جلد کتاب چاپی و ۸۷ مجلد خطی فارسی داشت (تسبیحی، ۱۳۵۲: ۳۸). موافقتنامه تأسیس مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در ۲۳ اکتبر ۱۹۷۱ بین محمدحسین مشایخ فریدنی از طرف ایران و ظفرعلی هاشمی کفیل وزارت آموزش علمی پاکستان در اسلام آباد در هشت ماده منعقد شد (علی بابایی، ۱۳۹۲: ۳۵۰-۳۴۹).

یکی دیگر از مهم‌ترین اسناد موجود در بحث روابط فرهنگی ایران و پاکستان، برنامه مبادلات فرهنگی ایران و پاکستان در ۵ تیر ۱۳۵۴ شامل ۵ فصل و ۵۶ ماده، در زمینه‌های فرهنگ و هنر، علوم و آموزش عالی، آموزش و پرورش، مطبوعات، رادیو و تلویزیون و ورزش است. در فصل فرهنگ و هنر، ایران و پاکستان در زمینه حفاری‌های باستان‌شناسی و احیاء آثار تاریخی، تأسیس مرکز مشترک مطالعات فرهنگ عامه (فولکلوریک)، تأمین کتاب و معلمان و در صورت لزوم، کتاب‌های فارسی برای پاکستان توافق کردند. در فصل علوم و آموزش عالی، در زمینه مبادله استاد بین دانشگاه تهران و دانشگاه بلوچستان و همچنین دانشگاه فردوسی ایران با دانشگاه پنجاب، اعطای بورس

تحصیلی به دانشجویان دو کشور برای ادامه تحصیل، همکاری دانشگاه صنعت نفت آبادان با مؤسسه نیدروکربور پاکستان در زمینه تعلیم و آموزش، دو دولت به توافق‌هایی دست یافتند.

روابط اقتصادی ایران و پاکستان: بر خلاف روابط فرهنگی و سیاسی، به سبب

وجود ساختار اقتصادی مشابه و نه مکمل، علی‌رغم ظرفیت بالای تجارت خارجی، روابط اقتصادی دو کشور وضعیت چندان مطلوبی نداشت (فلاح زاده، ۱۳۸۵: ۳۱). بیشتر همکاری‌های اقتصادی دو کشور در قالب سازمان همکاری منطقه‌ای بود و این سازمان در سال ۱۹۶۴ م. با مشارکت ایران، ترکیه و پاکستان تشکیل شد تا رشته همکاری‌های اقتصادی، تکنیکی و فرهنگی سه کشور را که در سنتو پایه‌ریزی شده بود، تقویت کند (بورک و لارنس، ۱۳۷۷: ۳۳۲). اقدامات این سازمان، همراه با کمیسیون‌های اقتصادی سنتو، برای گسترش راه‌ها و تأسیسات مخابراتی قابل توجه بود؛ مثلاً در چهارچوب همکاری‌های عمران منطقه‌ای، کنفرانس عالی سران سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه در تاریخ فروردین ۱۳۵۵ / ۲۱ آوریل ۱۹۷۶ به مدت سه روز در ازمیر برگزار شد و عهدنامه آن را در ۲۱ اسفند ۱۳۵۵ / ۱۲ مارس ۱۹۷۷ وزرای خارجه سه کشور عضو در تهران امضاء کردند (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵: ۳۷). مهم‌ترین رویداد این کنفرانس، توافق سه کشور برای ایجاد منطقه آزاد بازرگانی در منطقه، با تصمیمات لازم از طریق کاهش تدریجی موانع تعرفه‌ای بود. به طور کلی، در چهارچوب همکاری عمران منطقه‌ای، همکاری‌های قابل ملاحظه‌ای در زمینه نفت، پتروشیمی، ایجاد منطقه بازرگانی با در نظر گرفتن قواعد بازار مشترک، حمل و نقل و ارتباطات، امور پستی، جاده و راه آهن، کشتیرانی، حمل و نقل هوایی، همکاری فنی و علوم اداری و کشاورزی صورت گرفت (علی بابایی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

اولین موافقتنامه بازرگانی در ۲۰ مه ۱۹۶۲ در تهران به امضاء رسید. پس از آن، موافقتنامه‌های دیگری، از جمله معتبر شناختن گواهینامه ظرفیت کشتی‌های بازرگانی در ۲۷ ژانویه ۱۹۶۸ در تهران، موافقتنامه طویل‌مدت بازرگانی در ۹ مه ۱۹۷۵ در

اسلام آباد و تبادل نامه معافیت مالیاتی شرکت‌های هواپیمایی در مارس ۱۹۷۸ در اسلام آباد منعقد شد. محمدرضا پهلوی اعلام کرد که ایران تصمیم گرفته است در سرنوشت خود با پاکستان سهیم شود و در روزهای تلخ و شادی در کنار این کشور بایستد (وزارت امور خارجه، [بی تا]: ۱۳۵-۱۰۰).

رشد سرمایه‌گذاری‌های مشترک میان سازمان همکاری عمران منطقه‌ای قابل توجه بود. تا ژانویه ۱۹۷۰ دو کشور در زمینه تأسیس کارخانه نساجی، سیمان، مجتمع بزرگ کشت و صنعت و تولید کائوچوی مصنوعی قراردادهایی منعقد کردند. گرچه همکاری‌های مفیدی در شماری از زمینه‌ها میان کشورهای عضو وجود داشت، اما بخش عمده‌ای از تجارت میان این سه کشور همچنان غیرفعال باقی ماند. (بورک و لارنس، ۱۳۷۷: ۳۳۵-۳۳۴). در جهت فعالیت‌های سازمان عمران منطقه‌ای، پس از آنکه بوتو ریاست قوه مجریه پاکستان را عهده‌دار شد، در فروردین ۱۳۵۳ به ایران آمد. او برای حل مشکلات اقتصادی کشورش خواستار اعطای وام با شرایط خاص و دوستانه شد. در اعلامیه مشترکی که در باره همکاری‌های اقتصادی دو کشور در ۲۶ تیر ۱۳۵۳ منتشر شد، آمده است: «برای این منظور مقرر شد که وامی معادل ۵۸۰ میلیون دلار آمریکا جهت رفع احتیاجات عمرانی و کمک به موازنه پرداخت‌های پاکستان طی مدت ۳ سال در اختیار آن کشور قرار گیرد».

ایران همچنین آمادگی خود را برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک مورد توافق در زمینه احداث کارخانه‌های نساجی در پاکستان، ایجاد کارخانه سیمان در بلوچستان پاکستان، تأسیس مجتمع کشت و صنعت در پاکستان، ایجاد مجتمع مشترک تولید کف در ایران، ایجاد کارخانه تولید کائوچو در ایران، احداث پالایشگاه صادراتی نفت در ایران و تأسیس دانشکده پزشکی و فنی در بلوچستان اعلام کرد (وزارت امور خارجه، ۱۳۵۳: ۳۷۴). در پاسخ به دیدارهای مقام‌های پاکستان، شاه و همسرش در اسفند ۱۳۵۴ به دعوت چودری رئیس جمهور پاکستان به این کشور سفر کردند. در این سفر، با ایجاد صندوقی با مساعدت کشورهای عضو اوپک برای کمک به ملل در حال توسعه موافقت

شد و دو طرف در باره روابط هند و پاکستان برای برقراری منطقه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای در جنوب آسیا بحث و تبادل نظر کردند (علی بابایی، ۱۳۹۲: ۱۹۸-۱۹۷).

در زمینه همکاری‌های نفتی ایران و پاکستان، باید گفت که تأسیس شرکت مشترک نفت ایران و پاکستان در آبادان به سال ۱۳۴۸ ش. همزمان با دیدار ژنرال یحیی‌خان، رئیس‌جمهور پاکستان از ایران مورد بحث قرار گرفت. این شرکت تمام عملیات، اکتشاف، استخراج، تصفیه و پخش را برعهده داشت. در اسفند ۱۳۴۸ شرکت ملی نفت ایران با فروش سالانه حدود ۳ میلیون تن نفت به این کشور موافقت کرد و در مذاکرات دو کشور، بر سر تأسیس پالایشگاهی به ظرفیت ۲/۵ میلیون تن در سال در نزدیکی داکا در پاکستان شرقی، با سرمایه‌گذاری اولیه بالغ بر ۳۵۰۰ میلیون ریال و حمل و نقل با تانکر و تأسیس یک ناوگان نفتی مستقل توافق شد و ایران آمادگی خود را برای اداره صنایع نفتی پاکستان و تأمین نیروی انسانی لازم اعلام داشت؛ این امر با حذف عوارض و حقوق استخراجی در هزینه واردات نفتی به پاکستان با صرفه‌جویی ارزی حدود ۱۵ میلیون دلار صورت گرفت (سالنامه روابط خارجی ایران، ۱۳۵۲: ۳۲۲-۳۲۱).

همکاری‌های اقتصادی تا سال‌های پایانی حکومت پهلوی میان دو کشور برقرار بود و حتی سیر صعودی داشت؛ مثلاً در زمینه نفت و پتروشیمی، ایران در سال ۱۹۷۴ م. مقدار ۱۲۰۰۰۰ تن نفت خام به پاکستان فروخت. در زمینه حمل و نقل و ارتباطات، همکاری‌هایی در مورد پست و مخابرات، راه آهن، حمل و نقل هوایی و کشتیرانی به منظور بهبود وضع کلی ارتباطات صورت گرفت (رنجبرکلور، ۱۳۸۹: ۴۷). در زمینه پستی، نرخ پست میان دو کشور کاهش یافت. تمبرهای یادبودی به مناسبت پنجاهمین سال تأسیس سلسله پهلوی در سال ۱۳۵۵ ش. یا صدمین سالگرد قائد اعظم محمدعلی جناح در ۱۳۵۵ ش. در دو کشور انتشار یافت. در زمینه راه آهن و هواپیما، چندین قرارداد میان دو کشور امضاء شد (پیشگامی و قدسی: ۱۳۸۷: ۸۸). برای مثال، قرارداد راه آهن زاهدان- میرجاوه و کویته - زاهدان (آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۰۳-۶-۲) و قراردادی در زمینه همکاری هواپیمایی میان دو کشور در سال

۱۳۴۹ش. بسته شد (همان، ۱۵-۶-۲، ۱۳۴۹ش). این قرارداد، همکاری میان دو شرکت هواپیمایی ایران و پاکستان را در تسهیلات هواپیمایی و همکاری برای برقراری سرویس‌های مشترک بر فراز اقیانوس اطلس با هواپیماهایی با بدنه عریض تضمین می‌کرد (زمانیان، ۱۳۷۵:۳۷۹؛ آرشیو مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۵-۶-۱۱۴، ۱۳۴۹ش).

گفتنی است که در همکاری‌های صنعتی، قراردادهای منعقد شده میان ایران و پاکستان، کاملاً به نفع پاکستان بود؛ به گونه‌ای که سهام آن ۵۱٪ به پاکستان و ۴۹٪ به ایران تعلق داشت. از دیگر موافقتنامه‌های مهم اقتصادی میان دو کشور، می‌توان به قرارداد دفع ملخ در ۲۰ مارس ۱۹۵۶ و موافقتنامه مبارزه با کرم سرخ پنبه در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ اشاره کرد.

نتیجه

برقراری امنیت در مرزهای خارجی پاکستان، نخستین و مهم‌ترین نگرانی این کشور پس از استقلال بود. روابط خارجی ایران و پاکستان تحت تأثیر دو عامل اساسی قرار داشت: نخست ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل و دوم هراس پاکستان از هند و حمایت شوروی از این کشور و همچنین وجود اختلافات مرزی با هند. از این رو، دولتمردان این کشور می‌کوشیدند تا به آمریکا به عنوان محور بلوک غرب نزدیک شوند. از آنجا که ایران، یکی از پایه‌های مهم دکترین دوستونی نیکسون بود، پاکستان با ایران، به‌عنوان هم‌پیمان منطقه‌ای آمریکا و کشور قدرتمند خلیج فارس وارد ائتلاف شد. روابط دو کشور با اندکی فراز و فرود، تا پایان حکومت پهلوی ادامه داشت و این موضوع در مقاله حاضر، در سه بُعد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بررسی شده است. سطح روابط دو کشور در بُعد سیاسی و فرهنگی بالا بود. در بخش فرهنگی، با تکیه بر زبان فارسی، روابط و موافقتنامه‌های فرهنگی میان دو کشور منعقد شد و در زمینه سیاسی نیز عقد قرارداد مودت و همکاری در قالب پیمان بغداد- سنتو، حل اختلافات مرزی در منطقه

بلوچستان و میانجی‌گری در زمینه اختلاف پاکستان و افغانستان، روابط خارجی دو کشور را جهت داد و به پیش برد. در بُعد اقتصادی، به سبب وجود اقتصاد مکمل و مبتنی بر کشاورزی، پیشرفت‌ها چندان چشمگیر نبود و بیشتر در قالب سازمان عمران همکاری منطقه‌ای صورت می‌گرفت.

منابع و مأخذ

فارسی:

- اخبار و اسناد روابط خارجی ایران، ۱۳۵۵-۱۳۵۳-۱۳۵۲-۱۳۵۱، تهران: وزارت امور خارجه.
- ازغندی، علی رضا، ۱۳۸۹، *روابط خارجی ایران از ۱۳۲۰-۱۳۵۷*، چاپ دهم، تهران: قومس.
- اسعدی، مرتضی، ۱۳۶۹، *جهان اسلام (پاکستان و ترکیه و...)*، جلد دوم، تهران: نشر دانشگاهی.
- بورک، س.م و لارنس، زایرینگ، ۱۳۷۷، *تاریخ روابط خارجی پاکستان*، ترجمه: ایرج وفايي، تهران: نشر کویر.
- پیشگامی فرد زهرا و امیر قدسی، ۱۳۸۷، *بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها*، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، بهار ۱۳۸۷، صفحات ۸۱-۹۹.
- تسبیحی، محمدحسین، ۱۳۵۲، *فارسی پاکستانی و مطالب پاکستان شناسی*، [بی‌جا]: راولپندی.
- جهانبانی، امان الله، ۱۳۳۸، *سرگذشت بلوچستان و مرزهای آن*، تهران: [بی‌نا].
- رنجبر کلور، علی، ۱۳۸۹، *پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی*، تهران: مرکزی.
- زندفرد، فریدون، ۱۳۷۹، *ایران و جهانی پرتلاطم (خاطراتی از دوران خدمت در وزارت امور خارجه) (۱۳۲۶-۱۳۵۹)*، تهران: شیرازه.
- زمانیان، علی رضا، ۱۳۷۵، *گزیده اسناد روابط ایران و پاکستان*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- سالنامه روابط خارجی ایران، ۱۳۵۲، تهران: وزارت امور خارجه.
- علی بابایی، غلامرضا، ۱۳۹۲، *تاریخ روابط ایران و پاکستان از استقلال پاکستان تا انقلاب ایران (۱۳۲۶-۱۳۵۷)*، تهران: وزارت امور خارجه.
- _____، ۱۳۷۵، *تاریخ سیاست خارجی ایران*، تهران: درسا.
- فونتن، آندره، ۱۳۶۶، *تاریخ جنگ سرد*، جلد دوم، ترجمه: هوشنگ مهدوی، تهران: نشر نو.
- فرزین نیا، زیبا، ۱۳۸۹، *کتاب سبز پاکستان*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- فلاح زاده، محمدهادی، ۱۳۸۵، *آشنایی با کشورهای اسلامی (پاکستان)*، تهران: ابرار معاصر.
- محمدی، ناصر، ۱۳۸۵، *جغرافیای کشورهای همجوار*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت پشتیبانی نیروهای مسلح.
- مویر، ریچارد، ۱۳۷۹، *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه: درّه میرحیدر، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی.
- نظیف کار، غزاله و حسین نوروزی، ۱۳۸۲، *برآورد استراتژیک پاکستان*، تهران: نشر مؤسسه ابرار معاصر.

واکاوی روابط خارجی ایران و پاکستان در پرتو نظام بین‌الملل / ۱۵۱

وزارت امور خارجه، ۱۳۵۵، کلیاتی در باره روابط دولت شاهنشاهی ایران با کشورهای افغانستان و پاکستان و ترکیه، تهران: وزارت امور خارجه.

_____، ۱۳۶۴، سیاست‌گزاران و رجال سیاسی در روابط خارجی ایران، تهران: وزارت امور خارجه.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۹۱، سیاست خارجی ایران (دولت پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷)، تهران: نشر پیکان.

انگلیسی:

Scatter, Abdul, (2007), *pakistans foreign policy*, karauchi, oxford university press.